

رابطه تنظیم هیجانی و دلبستگی به خدا با رضایت از زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی

سمیه یار احمدی^۱، شهنام آزاد مرد^۲، زینب خادمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول: s.yarahmadi1393@gmail.com)

۲. دکترای روانشناسی و مدرس گروه روانشناسی دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره اول، شماره چهارم، بهمن ماه ۱۳۹۵، صفحات ۳۰-۴۱

چکیده

پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تنظیم هیجانی و دلبستگی به خدا با رضایت از زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهرستان میاندوآب می باشد روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری را کلیه والدین کودکان کم توان ذهنی شهرستان میاندوآب در سال ۱۳۹۵ تشکیل داده است. از بین جامعه ۱۸۰ نفر از والدین کودکان کم توان ذهنی (یک والد در ازای هر کودک) شاغل به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان میاندوآب از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های استاندارد دلبستگی به خدا (M-SAS) فرم خلاصه شده، پرسشنامه تنظیم هیجان گارنفسکی، پرسشنامه رضایت از زندگی خانوادگی کانساس (KFLS) شده است همچنین پایانی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ دلبستگی به خدا (۰/۹۰)، تنظیم هیجان (۰/۷۹)، رضایت از زندگی (۰/۸۴) برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری در نرم افزار SPSS ۱۸ استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان داد که بین تنظیم هیجانی و دلبستگی به خدا با رضایت از زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهرستان میاندوآب رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل نشان داد که بین راهبردهای تنظیم هیجانی و ابعاد دلبستگی به خدا در پیش بینی رضایت از زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهرستان میاندوآب رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: تنظیم هیجانی، دلبستگی به خدا، رضایت از زندگی